

## نقش مصادیق فقهی و حقوقی معاشرت به معروف در تحکیم خانواده از منظر قرآن کریم

عنایت شریفی\*

دانشیار معارف اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران  
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۴)

### چکیده

یکی از تدابیر قرآن کریم برای پایداری خانواده، دستور معاشرت به معروف است. معاشرت به معروف در خانواده دارای مفهوم و مصادیق وسیعی می‌باشد که در این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی به معاشرت به معروف بین همسران با رویکرد حقوقی و فقهی پرداخته می‌شود و به این سؤال اساسی پاسخ داده می‌شود که مصادیق فقهی و حقوقی معاشرت به معروف در روابط بین همسران چگونه در تحکیم خانواده تأثیرگذار است؟ مصادیق معاشرت به معروف در یک تقسیم‌بندی کلی به مصادیق مشترک بین همسران و مصادیق اختصاصی هریک از زوجین تقسیم می‌شوند. تأمین نیازهای جنسی یکدیگر، پرهیز از نشوز و شقاق و حلّ عاقلانه و عادلانه اختلافات از مصادیق حقوقی مشترک زوجین می‌باشند. مدیریت مرد، پرداخت مهریه، پرداخت نفقه، تأمین مسکن، پرهیز از قذف و نسبت ناروا و عمل به معروف در مراحل طلاق از مصادیق حقوقی مختص به مرد می‌باشند و تمکین و رعایت عده پس از وفات و طلاق از مصادیق اختصاصی حقوقی زن می‌باشند که رعایت و انجام هریک از مصادیق یادشده در تحکیم خانواده تأثیرگذارند.

واژگان کلیدی: معاشرت به معروف، تحکیم خانواده، خانواده، قرآن.

---

\* Email: Enayat.sharifi@yahoo.com

## ۱. مقدمه

خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی و زیربنای جوامع و منشأ فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در تاریخ بشر بوده است و از اهمیت خاصی برخوردار بوده است ولی با توجه به شرایط فعلی جوامع بشری پس از انقلاب صنعتی غرب و انقلاب کبیر فرانسه ظهور جریان‌های فمینیسم و پیدایش معضلات، آسیب‌ها و عوارضی چون، افزایش طلاق، افزایش سن ازدواج و مجرد زیستن، بی‌بندباری جنسی خشونت خانگی، پیدایش خانواده‌های تک‌والدینی، تک‌جنسیتی، دوجنسیتی (انسان و حیوان) و ... جوامع بشری را دچار تنش‌ها و بحران ساخته است، از این رو ضرورت اقتضا می‌کند به قرآن کریم به عنوان کتاب زندگی انسان بازگشت نموده و تدابیر قرآن برای تحکیم خانواده را مورد بررسی قرار دهیم که در این میان تدبیر معاشرت به معروف در روابط بین همسران در قرآن کریم به عنوان یکی از عوامل تحکیم خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است. معاشرت به معروف در روابط بین همسران دارای معنای وسیع و مصادیق زیادی می‌باشد که در یک تقسیم‌بندی کلی به دو قسم به مصادیق با ماهیت فقهی و حقوقی و مصادیق با ماهیت اخلاقی تقسیم می‌گردد. پژوهش حاضر در صدد است کارکردها و نقش معاشرت به معروف با رویکرد فقهی و حقوقی در روابط بین همسران در تحکیم خانواده را مورد بررسی قرار دهد و در این مورد به سؤالات ذیل پاسخ دهد.

الف. مصادیق فقهی و حقوقی مشترک همسران در معاشرت به معروف چگونه در تحکیم خانواده تأثیرگذار می‌باشند؟

ب. مصادیق حقوقی اختصاصی مرد در معاشرت به معروف بین همسران چگونه در تحکیم خانواده تأثیرگذار است؟

ج. مصادیق حقوقی و فقهی اختصاصی زن در معاشرت به معروف بین همسران چگونه در تحکیم خانواده تأثیرگذار است؟

## ۲. پیشینه پژوهش

در باره پیشینه پژوهش تاکنون آثار فراوانی نگارش یافته است همانند؛ کتاب تحکیم خانواده از منظر قرآن و حدیث اثر محمد محمدی ری شهری و کتاب عوامل تحکیم بنیان خانواده اثر مصطفی کیانفرد و کتاب تحکیم خانواده اثر عباسعلی اختری و رساله دکتری خانم معصومه حافظی با عنوان «جایگاه اصل قرآنی معاشرت به معروف در تحلیل موارد چالشی روابط همسران» در سال ۱۳۹۵ دفاع شده است. ایشان به خوبی حکومت اصل معروف بر احکام دیگر خانواده مثل کتک زدن همسر، ازدواج مجدد شوهر، حق طلاق و ازدواج موقت شوهر بررسی کرده است و پایان نامه خانم سمیه خداکرمی با عنوان بررسی تطبیقی قاعده معاشرت به معروف در فقه اسلام و حقوق موضوعه ایران، در سال ۱۳۹۸ در دانشگاه شاهد دفاع شده است. پایان نامه معاشرت به معروف در روابط زوجین از منظر فقه امامیه و حنفیه اثر نسرین بلوچ زاددر دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۵ و مقاله قاعده لزوم معاشرت به معروف در روابط زن و شوهر، اثر آقای نوبهار در فصل نامه خانواده پژوهی، سال یازدهم، شماره ۴۱، بهار ۱۳۹۴، در این مقاله ایشان به مبانی و اثبات قاعده بودن آن پرداخته و تنها احکام فقهی سوء معاشرت در مساله جنسی و سکونت مورد بررسی قرار گرفته است، مقاله معاشرت به معروف اثر مریم احمدیه در نشریه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۲، تابستان ۱۳۹۰: در این مقاله مصادیق قرآنی و بعضی مصادیق فقهی ذکر شده است و مقاله مبانی حسن معاشرت به معروف در نظام حقوقی خانواده از منظر قرآن اثر فائزه عظیم زاده اردبیلی در مجله فقه و حقوق خانواده شماره ۴۸: در این مقاله احکام قرآنی قاعده مورد بررسی قرار گرفته است ولی تاکنون اثری در باره نقش معاشرت به معروف در تحکیم خانواده از منظر قرآن نگارش نیافته است و این تحقیق در صدد است در این باره نگارش یابد.

### ۳. مفاهیم

#### ۳-۱. خانواده

خانواده، گروهی است متشکل از افراد دارای شخصیت مدنی، حقوقی و معنوی که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مرد تشکیل می‌دهد و در آن، طرفین دارای وظایف و حقوق جدید می‌شوند و با آوردن فرزند، جمع آنها بیشتر شده و بر وظایف و تکالیف آنها افزوده می‌گردد. این گروه که دارای اشتراکات بسیاری هستند، می‌کوشند تا با کمک یکدیگر، زندگی سعادت‌مندانه‌ای را برای جمع خانواده رقم بزنند (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۷۵، ج ۱۹: ۱۶۴).

#### ۳-۲. معروف

معروف در لغت به معنای هر چیزی از خیر و نیکی دانسته شده است که نزد نفس شناخته شده باشد (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۰۴ق، ج ۹: ۲۴۰) و در اصطلاح برخی از مفسران عرف را ضد نکر می‌داند و معتقد است که عرف مثل معروف و عارف است و آن هر خصلت ستوده شده است که عقل آن را تأیید می‌کند و نفس به آن اطمینان می‌یابد (ر.ک؛ طوسی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۴۰۳) و برخی دیگر، معروف را به معنای «هر امری که مردم در مجتمع خود آن را بشناسند و آن را انکار نکنند» معرفی می‌کنند (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۵۱۲).

#### ۳-۳. معاشرت به معروف

معروف در لغت از عَرَف به معنای خوبی در مقابل نُکَر ابه معنای بدی، قرار دارد. از این رو معروف اسم مفعول از عَرَف است به معنای هر چیزی که خوب است و در مقابل منکر به معنای هر چیزی که بد است قرار دارد (ر.ک؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۹: ۲۴۰) و در تعریف اصطلاحی آن اختلاف است به نظر می‌رسد از همه کامل‌تر تعریفی است که راغب در مفردات بیان کرده است

و آن عبارت است از هر فعلی است که توسط عقل و شرع پسندیده باشد (ر.ک؛ راغب اصفهانی، بی تا: ۵۶۱).

معاشرت در لغت به معنای مصاحبت و هم نشینی می باشد (ر.ک؛ طریحی، ۱۳۶۲، ج ۳: ۴۰۳) مشهور معتقدند چون واژه معاشرت به دلیل ساختار واژگانی آن که از باب مفاعله است، متضمن مفهومی طرفینی است و مشارکت و برابری در آن نهفته است و در آن معنای مشارکت و مساوات نهفته است (ر.ک؛ رشید رضا، ۱۹۹۵م، ج ۴: ۳۷۴). براین اساس از نظر قرآن کریم، اساسی ترین اصل در رفتار و تعامل بین زوجین معاشرت به معروف است که صریحاً در آیه ۱۹ سوره نساء با عنوان «عاشروهنّ بالمعروف» بیان شده است و نیز در آیه ۲۲۸ سوره بقره به گونه صریح و ظایف، حقوق و نحوه آداب و ماحشرت متقابل مرد و زن در درون خانواده را برابر و همانند می شمارد و معیار را «معروف» می داند: «و الْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَ لَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُعَوَّلْنَ عَلَيْهِنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَ هُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ؛ زنان مطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند! [عده نگه دارند] و اگر به خدا و روز رستاخیز، ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحم هایشان آفریده، کتمان کنند و همسرانشان، برای بازگرداندن آنها (و از سرگرفتن زندگی زناشویی) در این مدت، (از دیگران) سزاوارترند در صورتی که (به راستی) خواهان اصلاح باشند و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته ای قرار داده شده و مردان بر آنان برتری دارند و خداوند توانا و حکیم است».

بر اساس این آیه، معاشرت به معروف تکلیفی دوسویه است که داری مصادیق فراوانی می باشد که می توان در یک تقسیم بندی کلی به مصادیق حقوقی و فقهی و مصادیق اخلاقی تقسیم کرد.

### ۳-۴. تحکیم خانواده

منظور از تحکیم خانواده، تثبیت و پایداری خانواده در برابر عوامل متزلزل و ناپایداری آن است.

### ۴. مصادیق فقهی و حقوقی مشترک میان همسران

مهم‌ترین مصادیق فقهی مشترک میان همسران عبارتند از:

#### ۴-۱. تأمین نیازهای جنسی یکدیگر

مهم‌ترین عاملی که زن و مرد را به هم نزدیک می‌سازد و زندگی مشترک و پیوند آن دو را ایجاب می‌کند، غریزه جنسی است. بی‌تفاوتی به چنین نیازی در روابط بین زوجین، تأثیرات قابل جبرانی می‌گذارد که آرام آرام باعث سردی روابط شده و نشاط منزل را دچار رکود می‌کند. لذا زوجین باید نسبت به این مسأله دقت خاصی داشته باشند و در صورت سردی روابط از این آسیب جلوگیری و با مشاوره و کسب آگاهی‌های لازم از سردی بکاهند بر این اساس هر یک از زوجین موظفند نیاز یکدیگر را تأمین سازند و این نیاز تا حدود زیادی، پیوند دائمی یا طولانی آن دو را سبب می‌شود، تأمین این نیاز متقابل، مبنی و اساس بسیاری از احکام خانواده است.

#### ۴-۱-۱. تدابیر خدای تعالی برای تداوم کنترل تمایلات جنسی

خدای تعالی برای تداوم کنترل تمایلات جنسی تدابیری اندیشیده است که مهم‌ترین آنها عبارتند

از:

#### ۴-۱-۱-۱. تشویق به ارضای صحیح تمایلات طبیعی و غریزه جنسی

قرآن کریم برای پایداری خانواده از همسران می‌خواهد که محیط خانواده را به گونه‌ای بسازند که تا آمدگی کامل برای کامیابی یکدیگر را داشته باشند و دستور به رعایت و تأمین حقوق جنسی یکدیگر کرده ﴿نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ﴾ (بقره/۲۲۳): زنان شما، محل بذرافشانی شما هستند پس هر زمان که بخواهید، می‌توانید با آنها آمیزش کنید».

(آنّی) در این آیه از اسمای شرط است در خصوص زمان استعمال می‌شود و معنای آیه این است که هر زمان بخواهید می‌توانید با آنها آمیزش نمایید» (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۲۱۲) البته گاهی در مکان هم به کار می‌رود. نکته مهم در این آیه این است که آوردن جمله: «نَسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ» قبل از بیان (فاتوا حرتکم) و نیز تعبیر از زنان برای بار دوم به (کشتزار) خالی از این دلالت نیست، که مراد توسعه و آزادی دادن در عمل زناشویی است، یا از نظر مکان و یا از نظر زمان البته مکانی که زنان انتخاب کنند، نه آنجایی که مردان از زنان انتخاب کنند (همان).

این نیاز آن قدر در انسان شدید است که اگر مانعی بر سر راه ارضای طبیعی آن قرار بگیرد به هر قیمت ممکن تلاش می‌کند که آن مانع را برطرف نماید. در آغاز مسلمانان حق غذا خوردن و هم‌بستری را در شب‌های ماه رمضان نداشتند. این آیه با به رسمیت شناختن این نیاز، این ممنوعیت را برمی‌دارد. ﴿أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ﴾ (بقره/۱۸۷)؛ در شب‌های روزه، هم‌خوابگی با زنان بر شما حلال گردیده است» قرآن زنی را که بدون دلیل موجه به نیاز طبیعی شوهر پاسخ ندهد، ناشزه و مورد بازخواست قرار می‌دهد (در باره نشوز و احکام آن به ادامه مقاله مراجعه فرمائید).

#### ۴-۱-۱-۲. ممنوعیت هم‌جنس‌گرایی

هم‌جنس‌گرایی یا لواط، که در نظام طبیعت جز برای انسان دیده نشده است، حکایت از غیرطبیعی بودن آن دارد. این عمل، چه برای زنان و چه مردان، انحراف است و کیفر شدید الهی را

در پی دارد. خداوند خطاب به قوم لوط، که آلوده به زشت‌ترین گناه در روابط جنسی (لواط) بودند، تذکر می‌دهد که زنان برای شما آفریده شده‌اند؛ چرا زنان را رها کرده و دنبال مردان می‌روید؟ آنان این تذکر را ناشنیده گرفتند: «آیا در میان جهانیان، شما به سراغ جنس ذکور می‌روید [و هم‌جنس‌بازی می‌کنید؟ آیا این زشت و ننگ نیست؟ و همسرانی را که پروردگارتان برای شما آفریده‌است، رها می‌کنید [حقاً شما قوم تجاوزگری هستید] گفتند: ای لوط! اگر از این سخنان دست برداری، به یقین از اخراج‌شدگان خواهی بود. لوط گفت: من دشمن سرسخت اعمال شما هستم، سپس دیگران را هلاک کردیم و بارانی [از سنگ] بر آنها فرستادیم؛ چه باران بدی بود باران اندازشدگان» (شعراء/ آیات ۱۶۵-۱۷۳). در این آیات، هم‌جنس‌بازی آنان سبب رها کردن همسران‌شان شد و باعث گردید خانواده آنها از هم بپاشد و همین گناه بزرگ و عمل خلاف فطرت و مخالفت حکمت زوجیت، موجب فرود آمدن عذاب الهی شد.

کیفر و مجازات هیچ یک از گناهان کبیره به پای مجازات و کیفر این عمل کثیف نمی‌رسد، تا آنجا که در اسلام در هیچ مورد سوزاندن با آتش تجویز نشده، ولی در این مورد تجویز شده‌است. حاکم اسلام منخیر است شخص لواط‌کننده را به یکی از طرق زیر مجازات کند: کشتن، سنگ‌باران کردن، پرتاب از بلندی به طوری که استخوان‌های او را در هم بشکنند، یا سوزاندن، نسبت به مفعول نیز اگر عاقل و بالغ و مختار باشد حد قتل اجرا می‌گردد، و اگر نابالغ باشد او را تعزیر می‌نمایند. راه اثبات لواط مانند راه اثبات زناست (ر.ک؛ امام خمینی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۴۷۰) و نیز ازدواج خواهر، مادر و دختر شخص مفعول را بر فاعل حرام کرده‌است (همان).

قانون مجازات اسلامی ایران در ماده ۱۰، مجازات هم‌جنس‌بازی از مردان را مرگ و در ماده ۱۲۹، مجازات هم‌جنس‌بازی زنان را صد ضربه شلاق اعلام نموده‌است. به نوشته بسیاری از مجلات پزشکی و علمی، هم‌جنس‌بازان برخی از بیماری‌ها را چند برابر از افراد غیر هم‌جنس‌خواه دارند: ایدز ۵ هزار برابر و سلفیس، سوزاک و هپاتیت نیز چندین برابر، بیشتر هم‌جنس‌گرا از سلامت



روانی مطلوبی برخوردار نیستند و دچار انواع افسردگی و بیماری‌های روانی هستند (ر.ک؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۹: ۵۰).

#### ۴-۱-۱-۳. ممنوعیت چشم دوختن به کام‌یابی دیگران

نگاه به زر و زیور، زندگی دیگران و چشم دوختن به کام‌جویی دنیاطلبان، شعله حسد و حرص و طمع را در دل آدمی برافروخته کرده، زندگی را به آتش می‌کشاند و آدمی را از سعادت در دنیا و آخرت محروم می‌سازد؛ به همین دلیل خداوند می‌فرماید ﴿وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفِثَنَّهُمْ فِيهِ وَ رِزْقٌ رَّبِّكَ خَيْرٌ وَ أَبْقَىٰ﴾ (طه/ ۱۳۱)؛ و هرگز چشمان خود را به نعمت‌های مادی که به گروه‌هایی [یا زنان و مردانی] از کافران داده‌ایم، ندوز؛ اینها زیور زودگذر زندگی دنیاست تا آنان را در آن بیازماییم و [بدان‌که] روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است.

#### ۴-۱-۱-۴. حفظ عفاف و پرهیز از حریم‌شکنی و بی‌بندوباری

عفت در اصطلاح عبارت است از صفتی نفسانی که به موجب آن، شهوت انسان به کنترل عقل درآید (ر.ک؛ نراقی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۱۵) قرآن کریم به مردان و زنان مؤمن سفارش می‌کند که پاکدامن باشند و در مسایل جنسی از ولنگاری و بی‌بندوباری پرهیزند: ﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ ... وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَرْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ﴾ (نور/ ۳۰-۳۱)؛ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند این برای آنان پاکیزه‌تر است خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است و به آنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند» و نیز در آیه دیگر، به مردان سفارش می‌نماید که با دارایی‌های خود همسر انتخاب نمایند تا پاکدامن باشند. ﴿وَ أَجَلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ﴾ (نساء/ ۲۴)؛ برای شما حلال است که با دارایی خود [زنانی را] اختیار کنید، درحالی‌که پاکدامن باشند و از زنا خودداری نمایید» و در آیه دیگر از

ویژگی‌های مؤمنان رستگار را عفت و ورزی و پاکدامنی می‌داند: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ الَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ الَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ أَلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ﴾ (مؤمنون/۷-۱۱)؛ و به راستی که مؤمنان رستگار شدند و همانا که پاکدامن‌اند، مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند، که در این صورت بر آنان نکوهش نیست؛ پس هرکه فراتر از این جوید، تجاوزگر است».

درآیه دیگر به افرادی که توانایی ازدواج را ندارند، سفارش می‌کند که پاکدامن باشند و عفت بورزند ﴿وَلَيْسَتَعَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يَغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ (نور/۳۳)؛ و کسانی که [وسيله] زناشویی نمی‌یابند باید عفت و ورزی را از خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند». به نظر می‌رسد عدم رعایت عفت و پاکدامنی در زندگی خانوادگی، خانواده را با آسیب‌های جدی رو به رو می‌کند که کمترین تأثیر آن سرد شدن روابط در خانواده است. شاید به همین دلیل باشد که قرآن کریم برای افرادی که بی‌عفتی کنند و اهل خانه (زن و مرد) علیه یکدیگر خیانت کنند و زنا نمایند با شدت برخورد می‌کند و مجازات شدید برای متجاوزین وضع کرده است ﴿لِزَّانِيَةٍ وَ الزَّانِي فَاَجْلِدُوهُمَا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ لَيْشْهَدُ عَدَايَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (نساء/۲)؛ هر يك از زن و مرد زناكار را صد تازیانه بزیند و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید! و باید گروهی از مؤمنان مجازاتشان را مشاهده کنند». آنچه در این آیه بیان شده، یک حکم عمومی است که موارد استثنایی هم دارد؛ از جمله زناى محصن و محصنه است که حد آن با تحقق شرایط، اعدام و سنگسار است. منظور از محصن، مردی است که همسری دارد و همسرش در اختیار اوست و محصنه به زنی می‌گویند که شوهر دارد و شوهرش نزد اوست. هرگاه کسی با داشتن چنین راه مشروعی مرتکب زنا شود، حد او اعدام و سنگسار می‌باشد (ر.ک؛ امام خمینی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: صص ۴۶۵-۴۶۲).

#### ۴-۱-۲. پرهیز از نشوز و شقاق

##### ۴-۱-۲-۱. تعریف نشوز

نشوز در اصطلاح عبارت است از امتناع یا خروج زن با مرد از وظایف واجبی است که بر عهده آنان نسبت به یکدیگر نهاده شده است (ر.ک؛ نجفی، ۱۹۸۱، ج ۱۶: ۱۵۱؛ شهیدثانی، ۱۳۸۸، ج ۸: ۳۴۵؛ امام خمینی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۳۲۸) به عبارت دیگر نشوز عدم انجام همسری از سوی هر یک از زن و شوهر دانسته شده است (ر.ک؛ مغنیه، ۱۴۲۵ق، ج ۲: ۴۵۳). چنانکه بسیاری از فقها مشترک میان زن و شوهر می‌دانند (ر.ک؛ نجفی، ۱۹۸۱، ج ۱۶: ۱۵۱ و نیز ر.ک؛ شهیدثانی، ۱۳۸۸، ج ۸: ۳۴۵ و امام خمینی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۳۲۸).

نشوز در زن به معنای تمرد از دستورهای واجب شوهر است، از قبیل تمکین نکردن، نزدن آنچه مایه تنفر و مانع کام‌جویی شوهر است، ترک نظافت و آرایش دلخواه شوهر و خارج شدن از منزل بدون اجازه همسر (ر.ک؛ امام خمینی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۳۰۵).

بر اساس این تعریف نشوز منحصر در حقوق واجب همسر است و فراتر از آن را شامل نمی‌شود. از این‌رو، اگر زن کارهای منزل را انجام ندهد و خواسته‌های شوهر را که ارتباطی با کام‌جویی از او ندارد، بر نیاورد، ناشزه نمی‌شود، مثل اینکه از جارو کردن منزل، خیاطی، آشپزی و... حتی آب به دست شوهر دادن و رختخواب پهن کردن خودداری ورزد (همان). مرد نیز حق ندارد زن را به انجام این‌گونه خدمات مجبور سازد (ر.ک؛ امام خمینی، ۱۳۶۵، مسأله ۲۴۱۴).

قرآن در این باره می‌فرماید: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ حَفِظْنَ لِذُلُومٍ لِّغَيْبِ مَا حَفِظَ اللَّهُ وَ الْآتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا﴾ (نساء/ ۳۴)؛ مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، به خاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموال‌شان (در مورد زنان) می‌کنند. و زنان صالح، زنانی هستند که متواضعند و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق

او را، در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند و (اما) آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفت‌شان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد،) در بستر از آنها دوری نمایید! و (اگر هیچ راهی جز شدت عمل، برای وادار کردن آنها به انجام وظایفشان نبود،) آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر آنها نجوید! (بدانید) خداوند، بلندمرتبه و بزرگ است (و قدرت او، بالاترین قدرتهاست).»

قرآن مجید مردان را سرپرست و نگهدارندگان زنان خویش قرار داده است و وجه قومیت را نیز ذکر کرده است. در ادامه، به چند ویژگی زن خوب می‌پردازد و می‌فرماید: زنان شایسته و خوب کسانی هستند که متواضعانه در اطاعت شوهرند و حفظ‌الغیب شوهر می‌کنند. یعنی در غیاب شوهر نسبت به اموال و آبروی وی دچار خیانت نمی‌شوند. آنگاه درباره شیوة برخورد با زنان ناشزه و نافرمان سخن می‌گوید و در برابر آنان سه عمل را - به نحو ترتیب - ذکر می‌کند. نخست باید آنها را اندرز داد و با سخنان مهرآمیز و هشدار دهنده با وظایف‌شان آشنا ساخت.

در مرحله بعدی اگر موعظه تأثیر نداشت، دوری گزیدن از آنها در بستر را پیشنهاد می‌کند و در صورت ادامه سرکشی، مرد اجازه دارد با تنبیه بدنی زن را به وظایفش آشنا سازد. از آنجا که هدف از انجام این مراحل، انتقام و ستم‌گری بر زنان نیست، لذا قرآن کریم در ادامه می‌افزاید: اگر در این میان، زنان از نافرمانی دست کشیدند و به اطاعت شما تن دادند حق هیچ گونه ستمی را درباره آنان ندارید و بدانید که خداوند بلند مرتبه و بزرگ است و اجازه ستم‌گری را به شما نمی‌دهد. نشوز مرد با تعدی بر همسر و نپرداختن حقوق واجب از قبیل، نفقه، هم‌وابی واجب و مانند آن محقق می‌شود.. قرآن در این مورد می‌فرماید: ﴿وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِن بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُخْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِن تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا﴾ (نساء/ ۱۲۸)؛ و اگر زنی، از طغیان و سرکشی یا اعراض شوهرش، بیم داشته باشد، مانعی ندارد با هم صلح کنند (و زن یا مرد، از پاره‌ای از حقوق خود، بخاطر صلح، صرف نظر نمایند.) و صلح، بهتر است اگر چه مردم (طبق غریزه حب ذات، در این

گونه موارد) بخل می‌ورزند و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه سازید (و به خاطر صلح، گذشت نمایید)، خداوند به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است (و پاداش شایسته به شما خواهد داد). بر اساس این آیه، با بروز نشوز از سوی مرد، زن نخست به مطالبه حق خویش می‌پردازد و مرد را پند و اندرز می‌دهد که حقوق واجب شرعی او را بپردازد و از مخالفت، دست بردارد. در مرحله دوم اگر نصیحت و اندرز کارگر نیفتاد، زن به حاکم شرع مراجعه و از شوهر خویش شکایت می‌کند و حق ندارد با شوهرش قهر کند یا او را کتک بزند. هنگامی که حاکم شرع از نشوز مرد آگاه شد، او را از کار حرام نهی می‌کند و به او دستور می‌دهد که وظیفه واجب خود را انجام دهد. اگر امر و نهی حاکم سود نبخشید، او را به آنچه خود صلاح می‌داند، تعزیر می‌کند؛ چنان که می‌تواند نفقه زن را از مال شوهرش بپردازد؛ گر چه با فروش املاک او باشد (ر.ک؛ امام خمینی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۳۰۶).

این آیه در بیان حکم نشوز مردی است، که پاره‌ای از حقوق زوجیت را مراعات نمی‌کند. اگر زن در همسرش علائم سرکشی در انجام وظایف زوجیت و یا اعراض و روی‌گردانی از او را مشاهده کرد، می‌تواند برای حفظ حریم زوجیت و بقای پیوند زناشویی از در صلح و سازش با شوهر درآید و با گذشت از بخشی از حقوقش به ادامه زندگی کمک کند. در ادامه آیه، برای جلوگیری از سوءاستفاده مردان، آنها را به احسان و تقوا سفارش می‌کند.

#### ۴-۱-۲-۲. تعریف شقاق

در صورتی که ناسازگاری و نشوز از سوی هر دو رخ دهد آن را (شقاق) گویند در شقاق، زوجین هر دو از وظایف خویش سرباز می‌زنند (همان). نه مرد به تعهدات ازدواج پایبند است و نه زن. و جو خصومت و دشمنی میان آن دو حکم فرماست ولی در نشوز، اختلاف و نزاعی در کار نیست؛ فضای حاکم بر زندگی طبیعی است؛ ولی یکی از طرفین غیر متعهدانه از پذیرش مسئولیت خود، شانه خالی می‌کند.

در این صورت اگر بیم شقاق و فراق آنان فراهم آید و کارشان به حاکم شرع بینجامد، حاکم شرع، داوری از سوی مرد و داوری از جانب زن انتخاب می‌کند تا آن‌گونه که صلاح می‌دانند - یا با آشتی یا با جدایی - به ختم غائله اقدام نمایند (همان). قرآن در این باره می‌فرماید:

﴿وَأِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا وَ حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا أَنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا﴾ (نساء/ ۳۵)؛ اگر از جدایی و شکاف میان زن و شوهر بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند) اگر داوران تصمیم اصلاح داشته باشند، خداوند آنان را موفق خواهد کرد؛ زیرا خداوند دانا و آگاه است.

#### ۴-۱-۳. حلّ عاقلانه و عادلانه اختلافات

در زندگی خانوادگی ممکن است اختلافاتی پیش آید که با هم‌فکری و مشورت نتوان به نتیجه قطعی رسید؛ تداوم چنین وضعی می‌تواند به اساس خانواده لطمه جبران‌ناپذیری وارد سازد. قرآن در چنین موردی مرد را به عنوان سرپرست خانواده معرفی کرده است (نساء/ ۳۴)، اگر با هیچ‌یک از راه‌حل‌های سابق، مشکلات و اختلافات خانوادگی حل نشد، اسلام توصیه می‌کند که از افراد با تجربه و خیر خواه استفاده شود و آنها حکمیت میان همسران را بر عهده بگیرند: «وَأِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا وَ حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا» (نساء، آیه ۱۲۸)؛ و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو (همسر) بیم داشته باشید، یک داور از خانواده شوهر، و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید (تا به کار آنان رسیدگی کنند). اگر این دو داور، تصمیم به اصلاح داشته باشند، خداوند به توافق آنها کمک می‌کند زیرا خداوند، دانا و آگاه است (و از نیات همه، با خبر است)» و اگر به هیچ‌صورتی نتوانستند کانون خانواده را حفظ کنند و از فروپاشی آن جلوگیری نمایند، آخرین راه حلّ مورد تأیید قرآن، طلاق و جدایی عادلانه است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْضُوا الْعِدَّةَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرُجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَ

لَا يَخْرُجَنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا إِذَا بَلَغَنَّ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿طلاق/۱-۳﴾؛ ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عدّه، آنها را طلاق گویند [زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند]، و حساب عدّه را نگه دارید و از خدایی که پروردگار شماست بپرهیزید نه شما آنها را از خانه‌هایشان بیرون کنید و نه آنها (در دوران عدّه) بیرون روند، مگر آنکه کار زشت آشکاری انجام دهند این حدود خداست، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده تو نمی‌دانی شاید خداوند بعد از این، وضع تازه (و وسیله اصلاحی) فراهم کند و چون عدّه آنها سرآمد، آنها را به طرز شایسته‌ای نگه دارید یا به طرز شایسته‌ای از آنان جدا شوید و دو مرد عادل از خودتان را گواه گیرید و شهادت را برای خدا بر پا دارید این چیزی است که مؤمنان به خدا و روز قیامت به آن اندرز داده می‌شوند! و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند».

## ۵. مصادیق فقهی و حقوقی اختصاصی مرد

### ۵-۱. مدیریت خانواده

هر اجتماعی به یک مدیر نیاز دارد، حتی اگر بین افراد آن زمینه کمال همکاری وجود داشته باشد، چرا که بروز اختلاف نظرها و سلیقه‌ها اجتناب‌ناپذیر است و اگر تصمیم گیرنده نهایی مشخص نباشد، بی‌نظمی و هرج و مرج پیش آمده و آن نهاد کارآیی خود را از دست خواهد داد. خدایت عالی در قرآن کریم مدیریت خانواده را به مرد واگذار کرده است: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ﴾ (نساء/آیه ۳۴) مردان سرپرست زنان هستند.

خداوند متعال با نسبت دادن قوامیت به مردان، هم تکلیف سنگینی بر دوش مردان می‌گذارد و هم لازمه این امر، تمکین و گردن نهادن دیگر اعضای خانواده در برابر تصمیم‌های مرد است. قوام

بودن، مسئولیتی در جهت حفظ مسائل خانواده است، و زنان با پذیرش و حفظ این اقتدار برای شوهرانشان می‌توانند به آنان در پایداری خانواده یاری برسانند. شوهران نیز باید بر خانواده را به عنوان فرصتی برای ارتقای سطح مادی و معنوی خانواده بدانند و زن باید با گردن نهادن و حفظ اقتدار مرد به پایداری و انسجام خانواده مدد رسانند. در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی نیز به چنین امری اشاره شده است «در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصایص شوهر است».

#### ۵-۲. نفقه

نفقه از وظایف ویژه مرد و از حقوق قطعی زن می‌باشد (امام خمینی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۳). و آن به مخارج ضروری مانند؛ خوراک، پوشاک و مسکن گفته می‌شود که برای گذران زندگی مورد نیاز است. بسیاری از فقها ملاک در پرداخت نفقه واجب از سوی شوهر را رفع احتیاج و نیازمندی همسرش معرفی کرده‌اند. آنها برای مطلب خود به روایاتی توسل می‌جویند. از جمله آن، روایتی که امام باقر(ع) به مردی که سه هزار درهم درآمد داشته و دو سوم درآمد خویش را برای خانواده و یک سوم آن را در راه صدقه خرج می‌کرد فرمودند: اگر دو هزار درهم، احتیاج یک سال آنها را برآورده می‌کند، همانا تو در امر خود نظر کرده‌ای و در راه رشد خود توفیق یافته‌ای» (ر.ک؛ حرعاملی، ۴۰۹، ج ۲۱: ۵۴۲) در واقع امام راه رشد و توفیق را پرداخت نفقه به میزان رفع نیاز و احتیاج خانواده مطرح کرده است و با روایت دیگری که امام باقر(ع) ملاک پرداخت نفقه از سوی شوهر را با عبارت «تکفیهم فی جمیع مایحتاجون الیه» (کلینی، ۱۳۶۵ش، ج ۴، ص ۱۱) رفع نیاز و احتیاج زن دانسته‌اند و برخی دیگر از فقها همچون مرحوم سبزواری ملاک در پرداخت نفقه را حد وسط میان افراط و تفریط دانسته‌اند<sup>۱</sup>. مبنای ایشان روایتی است که عیاشی نقل می‌کند و می‌گوید از امام رضا (ع) درباره نفقه خانواده جو یا شدم. حضرت فرمود: حدی بین دو امر مکروه... گفتم: به خدا قسم دو امر مکروه را نمی‌شناسم. حضرت فرمود: همانا خداوند، اسراف و تنگ گرفتن را دوست ندارد

۱. موسوی سبزواری، مواهب لرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۲۵: ۳۰۰



و فرموده است: «وکسانی که انفاق می‌کنند اسراف نمی‌کنند و تنگ نمی‌گیرند بلکه انفاق آنها بین این دو امر است» (ر.ک؛ حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱: ۵۵۶).

در قرآن کریم آیاتی به پرداخت نفقه سفارش می‌کنند: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ﴾ (نساء/۳۴)؛ مردان، سرپرست زنانند، به دلیل برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به دلیل انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند. در این آیه، نفقه از مسؤلیت‌های مردان بر شمرده شده و شماری از مفسران، مراد از (قوام) در آیه شریفه را بر عهده‌گیری مسؤلیت همسر معنی کرده‌اند که از مصداق‌های روشن آن، برآوردن هزینه زندگی و تهیه پوشاک است (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴: ۵۴۳؛ طبرسی، ۱۳۹۲، ج ۳: ۶۹). ﴿وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (بقره/۲۳۳)؛ بر صاحب فرزند لازم است که خوراک و لباس مادر را به طور متعارف بپردازد. نفقه از چیزهایی است که علاوه بر وجوب شرعی و الزام دینی، از نظر قانونی نیز بر مرد لازم و واجب است؛ یعنی نفقه علاوه بر پشتوانه شرعی از پشتوانه حکومتی و قضایی نیز برخوردار بوده و چنانچه مردی نفقه واجب همسر خود را نپردازد، قانون او را وادار به این کار خواهد کرد.

در قانون مدنی ماده ۱۱۰۷ نفقه را چنین تفسیر کرده‌اند: نفقه عبارت است از مسکن (محل زندگی)، لباس، غذا و اثاث منزل که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و همچنین خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم (خدمتکار) یا احتیاج او (زن) به خدمتکار به واسطه مریضی یا نقص عضو (ر.ک؛ محقق داماد، ۱۳۷۲: ۲۹۰).

### ۵-۳. پرداخت مهریه

مهریه عطیه و بخششی است که مرد پس از ازدواج به همسر خود می‌پردازد. قرآن کریم از مهریه به صدق، تعبیر نموده است ﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً﴾ (نساء/۴)؛ و مهر زنان را (به طور کامل) به عنوان یک بدهی (یا عطیه) به آنان بپردازید. «صدق»، به فتح اول یا کسر اول است که

آن را نیز این گونه تعریف کرده‌اند که: «مالی است که مرد در عقد ازدواج به زن می‌دهد» و بر آن جهت به مهر صدق گفته یا صدقه گفته می‌شود که نشانه راستین بودن علاقه مرد است، و گاهی با اجور بیان می‌کند: ﴿أَتَوْهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ (نساء/ ۲۵)؛ مردان را به پرداخت مهریه بر طبق معروف امر می‌کند، منظور از معروف در این آیه ممکن است این باشد که تارپال آخر بپردازید و با تاخیر انداختن پرداخت آن، زن را آزرده خاطر نسازید (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۴۴۴) و یا نباید در تعیین مهر آنها، ظلم و ستمی بر آنان شود بلکه حق واقعی آنها طبق متعارف باید ادا گردد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱ ش، ج ۳: ۳۴۹).

در شریعت اسلام، بر پرداخت مهریه زنان تأکید بسیار رفته و خود داری از آن در شمار پلیدترین گناهان شمرده شده است. امام صادق(ع) فرمود: «خودداری از پرداخت مهریه از پلیدترین گناهان است» (ر.ک؛ حرعاماملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۱۰۸). و از توصیه‌های اخلاقی اسلام پرهیز از مهریه‌های سنگین است. امام علی(ع) فرمود: «مهریه را زیاد قرار ندهید، زیرا سبب کدورت و دشمنی می‌شود» همچنین در روایت آمده است که از ویژگی‌های همسر مطلوب، سبک بودن مهریه اوست چنانکه در سیره پیشوایان معصوم (ع) از جمله حضرت زهرا(س) نیز این امور رعایت گردیده است.

#### ۴-۵. مسکن

اگرچه مسکن و محل زندگی از مصادیق و زیرمجموعه‌های نفقه است و مرد می‌باید آن را فراهم نماید ولی به دلیل اهمیت مسکن و شرایط آن، به صورت مستقل به آن پرداخته شده است. از منظر شرعی و قانونی بر مرد لازم و واجب است تا برای همسر خود مسکن و محل زندگی چه به صورت ملکی و چه به صورت اجاره‌ای تهیه نماید. اختیار تعیین مسکن و محل آن با شوهر است و او موظف است و اختیار دارد در هر محلی که مناسب بداند، برای همسرش مسکن و خانه‌ای فراهم کند. زن موظف است در هر منزلی که شوهر انتخاب کرد، زندگی کند و سکنی گزیند مگر

اینکه زن در هنگام عقد شرط کرده باشد که اختیار تعیین محل زندگی با او باشد که در این صورت زن اختیار دارد در محلی که تشخیص می‌دهد زندگی کند و خانه‌ای تهیه شود. در ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی که برگرفته از فقه اسلامی است به این امر اشاره شده و چنین آمده: «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند زندگی کند مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد».

## ۵-۵. حرمت قذف

حکم دیگری که بر اساس حفظ کرامت خانواده جهت استحکام و پایداری خانواده وضع شده، حکم قذف است «قذف»؛ در لغت به معنای انداختن، گذاشتن و رها کردن آمده است (ر.ک؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۲۵۹). و در اصطلاح فقهی، عبارت است از این که به مرد یا زن، تهمت و نسبت زنا یا لواط زده شود.

هرچند این حکم برای تمام مردان و زنان است ولی در خانواده نیز کاربرد دارد و برای دفاع از شخصیت معنوی زن این حکم را صادر کرده‌است و اجازه نمی‌دهد که شخصیت معنوی زن در خانه بی حرمتی و در معرض نابودی قرار گیرد. به همین دلیل با این مسأله با شدت برخورد کرده و برای قاذف اشد مجازات (هشتاد ضربه تازیانه) وضع کرده و دستور به عدم پذیرش شهادت او می‌دهد و او را فاسق معرفی می‌نماید: ﴿وَ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَ لَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَ أَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (نور/ ۴-۵)؛ و به کسانی که به زنان پاکدامن تهمت (زنا) می‌زنند سپس چهار گواه نمی‌آورند هشتاد تازیانه بزنید و دیگر هرگز گواهی آنان را نپذیرید و آنانند که نافرمانند. مگر آنان که پس از آن توبه کنند و شایستگی ورزند که بی‌گمان خداوند آمرزنده‌ای بخشاینده است» و در آیه دیگر قاذف مورد لعن قرار داده و وعده عذاب به آنان داده‌است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (نور/ ۲۳) به راستی آنان که به زنان پاکدامن بی‌خبر مؤمن، تهمت (زنا) می‌زنند، در این جهان و در جهان واپسین لعنت شده‌اند و آنان

را عذابی سترگ خواهد بود. در این آیه سه صفت برای این زنان ذکر شده که هر کدام دلیلی است بر اهمیت ظلمی که بر آنها از طریق تهمت وارد می‌گردد: «محصنات» (زنان پاکدامن) «غافلات» (دور از هر گونه آلودگی) و «مؤمنات» (زنان با ایمان) و به این ترتیب نشان می‌دهد که تا چه حد نسبت ناروا دادن به این افراد، ظالمانه و ناجوانمردانه و درخور عذاب عظیم است (ر.ک؛ طباطبایی، ۱۴۰۷، ج ۱۵: ۲۲۲ و مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۱۴: ۴۱۸).

#### ۵-۶. عمل به معروف در مراحل طلاق

در اهمیت عمل به معروف در مراحل طلاق همین بس که ۹ بار واژه معروف در ارتباط با طلاق همسر آمده‌است. واژه معروف در قرآن کریم بیشتر در مورد طلاق و جدایی زن و شوهر از یکدیگر به کارفته است و در موارد مختلف طلاق دستور می‌دهد که در هنگام جدایی و مراحل آن به گونه پسندیده رفتار نمایید به نظر می‌رسد این مسأله حاکی از آن است که در مواقع عادی به طریق اولی مرد باید مراعات معروف را بنماید. ﴿إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغُنَّ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ﴾ (بقره/۲۳۱)؛ و هنگامی که زنان را طلاق دادید، و به آخرین روزهای «عده» رسیدند، یا به طرز صحیحی آنها را نگاه دارید (و آشتی کنید)، و یا به طرز پسندیده‌ای آنها را رها سازید» و نیز دستور می‌دهد که در هنگام جدایی به آنها سکونت دهید و به آنها ضرر نرسانید و اگر باردار باشند نفقه آنها را بپردازید تا وضع حمل کنند (طلاق/۶) «و به مردان دستور می‌دهد مهرالمسمی زنی را که برایش مهریه‌ای تعیین نشده‌است و قبل از زندگی مشترک بخواهند او را طلاق دهند، کالایی را به زن هدیه نماید». ﴿لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَ مَعْرُوفٌ عَلَى الْمُؤْسِعِ قَدَرُهُ وَ عَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ﴾ (بقره/۲۳۶)؛ گر زنان را قبل از آمیزش جنسی یا تعیین مهر، (به عللی) طلاق دهید، گناهی بر شما نیست. (و در این موقع،) آنها را (با هدیه‌ای مناسب،) بهره‌مند سازید! آن کس که توانایی دارد، به اندازه توانایش، و آن کس که تنگدست است، به اندازه خودش، هدیه‌ای شایسته (که مناسب حال دهنده و گیرنده باشد)

بدهد! و این بر نیکوکاران، الزامی است» و در آیه دیگر در این مورد می‌فرماید: ﴿وَلِلْمُطَلَّقاتِ مَتاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَمَيِّنِ﴾ (بقره/۲۴۱)؛ و برای زنان مطلقه، هدیه مناسبی لازم است (که از طرف شوهر، پرداخت گردد). این، حقی است بر مردان پرهیزکار.

قرآن کریم آنچنان زیبا و عمیق به خانواده می‌نگرد دستور می‌دهد که زنان بعد از اتمام دوره عده، چنانکه با هم تراضی کردند می‌توانند با هم ازدواج کنند و به زندگی مشترک بازگشت کنند (بقره/۲۳۲).

## ۶. مصادیق فقهی و حقوقی اختصاصی مرد

### ۶-۱. تمکین

تمکین در اصطلاح فقهی به معنای آماده بودن زن برای شوهر یعنی آماده بودن و اطاعت شوهر در روابط جنسی در هر زمان که شوهر بخواهد (نجفی، ۱۴۲۱، ج ۳۱، ص ۲۸۹. تمکین بردو قسم است که هردوی آنها بر زن واجب است. ۱. تمکین عام ۲. تمکین خاص  
تمکین عام یعنی اطاعت زن از شوهر در اموری همچون: قبول سکونت و زندگی در خانه‌ای که شوهر انتخاب و تهیه کرده است و مراد از تمکین خاص، اطاعت و فرمانبرداری بدون قید و شرط در امور جنسی و زناشویی به طوری که هر موقع شوهر اراده کند و شرایط مهیا باشد، می‌باید زن اطاعت کند مگر اینکه مانعی مثل روزه واجب، قاعدگی و ... در کار باشد.

### ۶-۲. عده بعد از فوت همسر

از احکام دیگری که خداوند توسط آن پایداری را تضمین میکند، موضوع عده بعد از طلاق و بعد از فوت همسر است تا علاوه بر حفظ حرمت خانواده‌ی قبل و ایجاد فرصتی بین تشکیل دو خانواده، از تداخل نسل‌ها و حتی ایجاد شک در این امر جلوگیری شود. ﴿الْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ

بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فَبِأَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبِعَوْلَتِهِنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۲۲۸﴾ (بقره/ ۲۲۸)؛ زنان مطلقه، باید به مدت سه مرتبه عادت ماهانه دیدن (و پاک شدن) انتظار بکشند! [عده نگه دارند] و اگر به خدا و روز رستاخیز، ایمان دارند، برای آنها حلال نیست که آنچه را خدا در رحمهایشان آفریده، کتمان کنند. و همسرانشان، برای بازگرداندن آنها (و از سرگرفتن زندگی زناشویی) در این مدت، (از دیگران) سزاوارترند در صورتی که (براستی) خواهان اصلاح باشند. و برای آنان، همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته‌ای قرار داده شده و مردان بر آنان برتری دارند و خداوند توانا و حکیم است.

### بحث و نتیجه‌گیری

الف. یکی از تدابیر قرآن کریم برای تحکیم خانواده معاشرت به معروف در روابط بین همسران می‌باشد. معاشرت به در روابط بین زوجین دارای معنای وسیع و مصادیق فراوانی می‌باشد که مصادیق آن، در یک تقسیم‌بندی کلی به مصادیق فقهی و حقوقی و اخلاقی تقسیم می‌شوند مصادیق فقهی و حقوقی معاشرت به معروف بین همسران به مصادیق؛ مشترک بین زوجین و مصادیق اختصاصی هریک از آن دو تقسیم می‌شوند.

ب. تأمین نیازهای جنسی یکدیگر، پرهیز از نشوز و شقاق و حلّ عاقلانه و عادلانه اختلافات از مصادیق مشترک بین زوجین می‌باشد و مدیریت خانواده، پرداخت مهریه، پرداخت نفقه، تأمین مسکن، پرهیز از قذف و نسبت ناروا، عمل به معروف در مراحل طلاق از مصادیق فقهی و حقوقی اختصاصی مرد در معاشرت به معروف و تمکین و نگهداری عده بعد از وفات و طلاق از مصادیق اختصاصی زن در معاشرت به معروف زن می‌باشند.

ج. قرآن کریم برای تداوم کنترل و تمایلات جنسی و جهت دهی آن به تک همسری و پایداری خانواده، دستور به ارضای صحیح تمایلات جنسی، ممنوعیت هم جنس گرایی، ممنوعیت چشم دوختن به کامیابی دیگران و پرهیز از زنا و خیانت زن و شوهر به یکدیگر را داده است.

د. قرآن کریم به منظور پایداری و استحکام خانواده، دستور به عفت و ورزی و پرهیز از زنا داده است و برای زن و مردی که به یکدیگر خیانت کنند، مجازات شدیدی برای متجاوزان وضع کرده است.

ه. تمکین به معنای اطاعت زن از شوهر است و به دو معنا و مفهوم آمده است که هر دو آنها بر زن واجب است. تمکین عام به معنای اطاعت زن در اموری چون؛ قبول سکونت زن در منزل شوهر، خوش رفتاری و مدارای زن با شوهر و ... می باشد و تمکین خاص به معنای اطاعت زن از شوهر در امور جنسی و زناشویی و لوازم آن می باشد.

و. نشوز به معنای امتناع یا خروج هر یک از زن و شوهر از وظایف واجبی که بر عهده آنهاست می باشد و از نظر مشهور فقها و حقوق دانان مشترک بین زن و شوهر می باشد ولی شقاق به معنای ناسازگاری و نشوز از سوی هر دو رخ می دهد و هر دو از وظایف واجب خود سر باز می زنند؛ نه مرد به تعهدات ازدواج پایبند است و نه زن؛ جو خصومت و دشمنی میان آن دو حکم فرماست.

ز. قرآن کریم برای کاهش و حل اختلافات زن و شوهر نخست اصل صلح و سازش را مطرح می نماید و اگر حل نشد توصیه می کند که با افراد خیر خواه و با تجربه استفاده شود و آنها حکمیت میان همسران را بر عهده بگیرند و اگر هیچ یک از موارد کارساز نبود در نهایت جدایی و طلاق می باشد.

ح. قذف به معنای نسبت ناروا به زن پاکدامن است و فلسفه آن حفظ شخصیت معنوی زن و جلوگیری از نابودی شخصیت زن می باشد و مجازات قذف کننده بر اساس آیه ۴ سوره نور، به میزان هشتاد ضربه شلاق می باشد.

## منابع

۱. قرآن کریم. ترجمه مکارم شیرازی.
۲. ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. بيروت: دارصادر.
۳. اختری، عباسعلی. (۱۳۹۹). *تحکیم خانواده از منظر حقوق و اخلاق*. تهران: به نشر
۴. امام خمینی، روح الله. (۱۴۱۹ق.). *حریر الوسیله*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۵. \_\_\_\_\_ . (۱۳۶۵ش.). *رساله توضیح المسائل*. تهران: صبا.
۶. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق.). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت.
۷. جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۹). *دانش خانواده و جمعیت*. چاپ سوم. قم: نشر معارف.
۸. راغب اصفهانی. (بی تا). *مفردات الفاظ القرآن*. تهران: مؤسسه اسماعیلیان.
۹. رشیدرضا، محمد. (۱۹۹۵م.). *تفسیر القرآن الکریم (التفسیر المنار)*. بیروت: دارالمعرفه.
۱۰. شهیدثانی، زین الدین بن علی. (۱۳۸۸). *شرح اللمعه الدمشقیه*. چاپ هشتم. ترجمه علی شیروانی. قم: دارالعلم.
۱۱. طباطبایی، سیدمحمد حسین. (۱۴۰۷ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۲. طبرسی، حسن بن فضل. (۱۳۷۲). *مجمع البیان*. تهران: ناصر خسرو.
۱۳. طریحی، فخرالدین. (۱۳۶۲). *مجمع البحرین*. تهران: المکتبه المرتضویه.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن. *التبیان فی تفسیر القرآن*. (۱۳۸۹ق.). به تصحیح عاملی، احمد حبیب. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی.



۱۵. عبدالرحمان، محمود (۴۱۹ ق.ا.). *معجم المصطلحات و الالفاظ الفقهیه*. قاهره: دارالفضیله.
۱۶. قرشی بنابی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱ ق.). *قاموس قرآن*. چاپ ششم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵ ش.). *اصول کافی*. تصحیح و تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۷۲ ش.). *بررسی فقهی حقوق خانواده*. تهران: نشر علوم اسلامی.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۲ ش.). *تحکیم خانواده از منظر قرآن و حدیث*. قم: دارالحدیث.
۲۰. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۵). *اخلاق جنسی*. چاپ دهم. تهران: صدرا.
۲۱. مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۵ ق.). *التفسیر المبین*. چاپ سوم. قم: دارالکتاب الإسلامی.
۲۲. مکارم شیرازی و همکاران. (۱۳۷۱ ش.). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب اسلامیه.
۲۳. موسوی سبزواری، عبدالاعلی. (۱۴۰۹ ق.). *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*. (سبزواری). نجف: دفتر سماحه آیت الله العظمی السبزواری.
۲۴. نراقی، ملامهدی. (۱۴۰۸ ق.). *جامع السعادات*. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

